

بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در پابندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر اصفهان

احمد آذین^۱

چکیده

فرهنگ شهروندی هنجارهای جامعه را رقم می‌زند و پایه‌های ارتباط میان شهروندان را شکل می‌دهد؛ شهری که از فرهنگ غنی شهروندی لبریز است، امنیت و آرامش در آن هویداست و مشارکت شهروندان در هر فعالیت به چشم می‌خورد؛ مشارکتی سازنده که هزینه‌های اداری شهر را کاهش داده و لبخند را جایگزین دغدغه‌ها و ناآرامی‌ها می‌نماید.

با توجه به اهمیت موضوع فرهنگ شهروندی، پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش، ابزار تحقیق پرسشنامه و استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS، به دنبال بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در پابندی به فرهنگ شهروندی به عنوان هدف اصلی است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شهر اصفهان است که تعداد ۴۰۰ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای آنها به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان کل سرمایه‌ی اجتماعی ($P=0/37$)، و ابعاد آن یعنی اعتماد اجتماعی ($P=0/43$)، تعامل اجتماعی ($P=0/36$)، آگاهی اجتماعی ($P=0/33$)، انسجام اجتماعی ($P=0/44$) و حمایت اجتماعی ($P=0/30$) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد؛ بنابراین تمام فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. همچنین نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری AMOS نیز نشان دادند که متغیر سرمایه‌ی اجتماعی در مجموع $0/43$ بر متغیر پابندی به

ahmadazin@khuisf.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۳

۱- استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

تاریخ وصول: ۹۶/۱/۱۶

فرهنگ شهروندی تأثیرگذار است.

کلید واژگان: سرمایه‌ی اجتماعی، شهروندی، فرهنگ شهروندی، شهر اصفهان.

مقدمه و بیان مسأله

لازمه‌ی حل مسائل شهری، بحران‌های شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ مناسب شهروندی و شهرنشینی است که این مقولات جزء پایه‌های اساسی و دوام شهری هستند و همه‌ی اجزای یک زندگی شهری باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبات اجتماعی شهر، تأسیسات شهری، نظام حمل و نقل، کالبد شهر و کاربردهای شهری سعی کنند، تعادل لازم را به وجود آورند (شربتیان، ۱۳۸۷: ۱۲۰ - ۱۲۲).

مفهوم شهروندی را می‌توان در مجموع جزء مفاهیم جدیدی دانست که با زندگی برخاسته از تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی در هم آمیخته است. شهروندی ارتباط بسیار وسیعی با مفاهیمی چون جامعه‌ی مدنی، دموکراسی و حاکمیت خوب دارد. جامعه‌ی مدنی و تحقق نهادهای مدنی، در مجموع تجربه‌ی عقلانی و موفق بشری است که منجر به مشارکت قانون‌مند و توسعه سیاسی - اجتماعی شده و در نتیجه، زمینه‌ی پیشرفت در حوزه‌ی اقتصاد و فرهنگ و تمدن را برای جوامع به وجود آورده است (شیانی، ۱۳۸۱: ۲۰).

شهروندی یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت و توسعه‌یافتگی کشورهاست. یکی از ابعاد مهم شهروندی، فرهنگ شهروندی است. اصولاً شهروندی بدون توجه به مقوله‌ی فرهنگ قابل تصور نیست. ایجاد، گسترش و تعمیق فرهنگ و اخلاقیات شهروندی، می‌تواند گره‌گشای بسیاری از مسائل شهری و اجتماعی باشد که کشورهای در حال توسعه با آن مواجهند (همتی و احمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۹). شهروندی یک سازه‌ی اجتماعی است، در نتیجه تابعی از بستر اجتماعی و زمینه‌ی فرهنگی جامعه‌ی خود است؛ از این رو، با توجه به تنوع و تفاوت فرهنگ‌ها، ما با معانی فرهنگی متفاوتی از شهروندی مواجه هستیم.

امروزه مفهوم شهروندی با مفهوم و نگرش آن در گذشته بسیار متفاوت است و حقوق شهروندی دارای حوزه‌های مختلفی است. چنانچه در کنار حقوق مدنی، سیاسی و

اجتماعی، حقی نیز به نام حقوق فرهنگی وجود دارد؛ از این رو، شهروندی فرهنگی در یک بیان واضح، ناظر به تأمین حقوق فرهنگی شهروندان است (فرجی، ۱۳۸۹: ۴۸۸). تحولات چند دهه‌ی اخیر در مسیر اهمیت یافتن فرهنگ و فرهنگی شدن عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است؛ از این رو، فرهنگی شدن شهروندی نیز امری اجتناب‌ناپذیر شده است. شهروندی مقوله‌ای متنوع یا جدا از «فرهنگ شهروندان» نیست. برای داشتن شهروندی فعال، باید مؤلفه‌ها و معنای شهروندی برخاسته و با ملاحظه‌ی فرهنگ شهروندان باشد نه صرف ملاحظات حقوقی یا تأکید یکسویه بر آرمان‌های ایدئولوژیک (هاشمیان فر و گنجی، ۱۳۸۸: ۲۷).

بنابراین امروزه دیگر بحث از شهروندی محض نیست و فرهنگ شهروندی نیز مورد توجه قرار دارد. فرهنگ شهروندی متأثر از سازهای انسان‌ساخت و جمعی است که الزاماتی را در قالب ارزش‌ها و هنجارها به زندگی انسانی وارد ساخته است، این الزامات اگرچه در طول تاریخ یکسان نبوده‌اند، ولی سیر تاریخی مفهوم فرهنگ شهروندی نشان‌دهنده‌ی وابستگی معنا و مصداق فرهنگ به ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندی بوده است (شاه طالبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۹). فرهنگ شهروندی در قالب ارزش‌ها و هنجارهایی که بیانگر سبک زندگی و شکل دهنده‌ی تعاملات انسانی در بافت نوین زندگی جمعی و روی هم رفته، قابلیت‌های اکتسابی است، تعریف می‌شود (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶).

از جمله عوامل مرتبط با فرهنگ شهروندی میزان سرمایه‌ی اجتماعی افراد است. امروزه، بر جامعه‌شناسان ثابت شده است که سرمایه‌ی اجتماعی یکی از شاخص‌های رشد و توسعه‌ی جوامع به شمار آمده و در غیاب آن پیمودن راه توسعه دشوار می‌گردد. توسعه‌ی شهری در بعد شهروندی نیز به عنوان یکی از ابعاد توسعه، با چگونگی و شیوه‌ی زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ داشته و به دنبال ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه است که برای تحقق آن نیز شکل‌گیری و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی مورد نیاز است (حقیقتیان و حیدرخانی، ۱۳۹۳: ۶۸).

سرمایه‌ی اجتماعی سود سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی سرمایه‌ی فیزیکی و سرمایه‌ی انسانی را افزایش می‌دهد. همواره در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه‌ی اجتماعی چشم‌گیری برخوردار است، همکاری آسانتر است. امروزه مسلم است که رسیدن به توسعه، جامعه‌ی شهروندی، معیارهای جهان‌شمول و بستری مناسب برای زیست اجتماعی، بدون وجود سرمایه‌ی اجتماعی ممکن نیست (شارع پور و حسینی راد، ۱۳۸۷).

سرمایه‌ی اجتماعی ثروتی است که در جوامع انسانی وجود دارد و نبود آن باعث افزایش آسیب‌ها و مسائل مختلف اجتماعی از جمله طلاق، بدگمانی و سوءظن‌های خانمان‌برانداز، عدم مشارکت و... می‌شود؛ بنابراین فرهنگ شهروندی را تحت تأثیر قرار می‌دهد بنابراین در جامعه‌ی انسانی، افراد باید به دنبال تحقق شرایطی باشند که میزان سرمایه‌ی اجتماعی افراد را بالا ببرد و علاوه بر آن سعی در حفظش داشته باشند.

با توجه به اینکه فرهنگ شهروندی هنجارهای جامعه را رقم می‌زند، پایه‌های ارتباط میان شهروندان را شکل می‌دهد، امنیت و آرامش در آن هویداست و مشارکت شهروندان را در فعالیت‌های مختلف نشان می‌دهد بنابراین بررسی آن به عنوان یک مسأله‌ی مهم دارای ضرورت است و با توجه به نقش سرمایه‌ی اجتماعی در افزایش آن؛ پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که آیا بین سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر اصفهان ارتباط معناداری وجود دارد؟

پیشینه‌ی پژوهش

- قنبری و دیگران (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه‌ی بین گرایش به هویت ملی و هویت دینی با پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه» به انجام رساندند. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر تمام شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه هستند که ۳۸۴ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان کل هویت ملی و ابعاد آن یعنی هویت سیاسی، هویت جغرافیایی، هویت تاریخی، هویت فرهنگی و همچنین میزان کل هویت دینی و ابعاد آن یعنی بعد اعتقادی، بعد پیامدی و بعد مناسکی، با متغیر پایبندی به فرهنگ شهروندی ارتباط مثبت

و مستقیمی وجود دارد.

- گنجی و دیگران (۱۳۹۴) پژوهشی را با عنوان «نقش سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی در میزان احساس شهروندی در شهر کاشان» به انجام رساندند. حجم نمونه‌ی این پژوهش ۳۱۸ نفر بوده و با شیوه‌ی پیمایشی مبتنی بر پرسش‌نامه صورت پذیرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی فرهنگی با احساس شهروندی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

- افشارکهن و ناجی مهر (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر ابعاد ساختاری و شناختی سرمایه‌ی اجتماعی بر احساس شهروندی (مطالعه‌ی موردی: ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر مشهد)» به انجام رساندند. جامعه‌ی آماری آن ساکنان مناطق ۱۳ گانه شهر مشهد هستند که ۴۱۵ نفر آن‌ها از طریق نمونه‌گیری چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بین احساس شهروندی و هر یک از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد؛ به طوری که میزان اثرگذاری بعد شناختی سرمایه‌ی اجتماعی بر احساس شهروندی ۰.۴۳۴ و میزان اثرگذاری بعد ساختاری آن بر احساس شهروندی ۰.۲۸۹ است.

- مهدوی و عاشوری (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر)» به انجام رساندند. این پژوهش با روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه بر روی ۴۵۸ نفر از شهروندان شهر بوشهر انجام شد. نتایج به دست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، آگاهی از رویدادها و مناسبات داخلی و خارجی، مسؤولیت‌پذیری و رسانه بر ارتقای فرهنگ شهروندی تأثیر دارند همچنین متغیرهای قانون‌مداری، منافع جمعی، عام‌گرایی، دسترسی به مراکز فرهنگی، درآمد و مسکن رابطه‌ی معناداری را با متغیر وابسته نشان ندادند.

- هاشمیان فر و عجمی (۱۳۹۱) مقاله‌ای را با عنوان «بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان» به انجام رساندند. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل ساکنان

بافت حاشیه‌ی شهر اصفهان بود و نمونه‌ی آماری این تحقیق ۴۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شدند. نتایج به دست آمده از آزمون متغیرهای مستقل با متغیر وابسته با توجه به مقادیر p جدول و نسبت‌های بحرانی نشان از معنادار بودن ارتباط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پژوهش بود. نتایج به دست آمده از مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری پژوهش نشان می‌دهد که متغیر مشارکت اجتماعی با ضریب تأثیر ۹۹ درصد، بیشترین تأثیر را بر فرهنگ شهروندی افراد بافت حاشیه‌ی اصفهان دارد.

- مطالعات میدلتون^۱ (۲۰۱۱) نشان داده است که نیاز ضروری شهروندان به فراگرفتن مهارت‌هایی برای شهروندی از قبیل توانایی گفت و گو، برنامه‌ریزی مالی، انتخاب صحیح، مهارت‌های استفاده از رسانه‌های جمعی، به دست آوردن سرمایه، انتخاب همسر متعهد به جامعه، استفاده از فناوری به عنوان یک فعالیت گروهی، استفاده از اینترنت برای یک فعالیت گروهی، استفاده از اینترنت برای یک فعالیت شهروندی، مسئولیت در برابر توسعه، مشورت در انتخاب کار، تبلیغات و بازاریابی است.

- پارک و شین^۲ (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان سرمایه‌ی اجتماعی و شهروندی دموکراتیک در کره‌ی جنوبی، به مطالعه‌ی اثر سرمایه‌ی اجتماعی بر گسترش شهروندی دموکراتیک در بین افراد پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که درگیری اجتماعی به عنوان بعد عینی سرمایه‌ی اجتماعی، بیشتر جنبه‌ی رفتاری شهروندی را توسعه می‌دهد، در حالی که اعتماد اجتماعی به عنوان بعد ذهنی سرمایه‌ی بیشتر، وجه نگرشی شهروندی را ارتقا می‌بخشد.

- دلانتی^۳ (۲۰۰۳) در پژوهشی چهار مدل از شهروندی را ارائه می‌کند. این چهار مدل چهار مؤلفه‌ی عضویت در یک اجتماع سیاسی یعنی حقوق، وظایف، مشارکت و هویت را در بر می‌گیرند و هر یک از این مدل‌ها به ترتیب متناظر با یک رویکرد نظری و سنت ایدئولوژیکی یعنی لیبرالیسم، محافظه‌کاری، رادیکالیسم دموکراتیک و اجتماع‌گرایی

¹ - Middleton

² - park & shin

³ - Delantey

هستند. این چهار مؤلفه بیانگر ویژگی‌های کامل شهروندی نیستند اما از نظر دلالتی این مدل‌های آرمانی نحوه‌ی فهم شهروندی را به اختصار نشان می‌دهند.

- لی^۱ (۱۹۹۹) تحقیقی را در سطح آسیا انجام داد و ویژگی‌های زیر را برای شهروند خوب بودن لازم دانست: آگاهی از مسائل و مشکلات جامعه، مشارکت فعال در امور جامعه، مسئولیت‌پذیری، رفتار مبتنی بر اخلاق، پذیرش انتقاد، توانایی انتقاد، توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه، آگاهی از حکومت و دولت، حس وطن‌پرستی، پذیرش مسئولیت خانواده، آگاهی و دانش نسبت به جامعه‌ی جهانی، احترام به تنوع و تکرر فرهنگی.

جمع‌بندی

همان‌طور که مشاهده می‌شود تاکنون تحقیقات گوناگونی در زمینه‌ی فرهنگ شهروندی به انجام رسیده است. بررسی رابطه‌ی بین گرایش به هویت ملی و هویت دینی با پابندی به فرهنگ شهروندی، نقش سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی در میزان احساس شهروندی، بررسی تأثیر ابعاد ساختاری و شناختی سرمایه‌ی اجتماعی بر احساس شهروندی، بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی، بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای و سرمایه‌ی اجتماعی و شهروندی دموکراتیک به انجام رسیده است؛ هرچند هرکدام از پژوهش‌های فوق دارای نتایج ارزشمندی هستند، اما تاکنون پژوهشی که ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی را به طور صحیح نشان دهد به انجام نرسیده است. پژوهش حاضر برخلاف سایر پژوهش‌ها ارتباط بین شاخص‌های تعامل اجتماعی، اعتماد اجتماعی، آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی و حمایت اجتماعی با فرهنگ شهروندی را می‌سنجد که در هیچ پژوهشی به انجام نرسیده و کاملاً جدید است.

مبانی نظری

نظریه‌های فرهنگ شهروندی

ماکس وبر شهروندی را به لحاظ تاریخی با رشد دولت-شهرهای یونان باستان در ارتباط می‌داند. جایی که فضایی عمومی برای ارتباط آزاد و عقلانی میان کنشگران

^۱ - Lee

اجتماعی فراهم می‌ساخت، مفهوم شهر و تکامل تاریخی هرم‌های مستقل در تکوین نوعی تفکر تلفیقی در مورد آزادی، فردیت، مدنیت نقش حیاتی داشته است. وی این مشخصه را منحصر به غرب می‌دانست (ذکایی، ۱۳۸۰: ۶۹).

از نظر وبر، شهروندی در شهرها شکل گرفته است و در حقیقت وابسته به مصلحت‌اندیشی و تدابیری بود که شهر به عنوان یک اتحادیه‌ی ایستایی و آیین جمعی که اعضای آن براساس مالکیت زمین شهری و برخورداری از امور، وظایف و امتیازات ویژه معین می‌شدند، متعهد به در نظر گرفتن آنها بود. از نظر او شهروند بودن به معنای توانایی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت داشتن در انتخاب رهبران بود و امتیازات ویژه‌ی آنها شامل حق شهروندی به انضمام انحصارات بازار، حقوق تجارت آزاد، جواز مبادله و حق کاهش دادوستد رقابت‌آمیز، مشارکت در امور قضایی و موقعیت‌های ویژه، برای مقاصد چون اهداف نظامی بود. از نظر حقوق اقتصادی مهم‌ترین امتیازات مدنی در قالب حقوق صوری به معنای حق داشتن انجمن‌های نیمه‌آزاد شهروندان نبود، بلکه ضامن مالکیت اربابی شهر به شمار آمد (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۷).

برایان ترنر و جنیفر ریدن معتقدند که شهروندی از یک سو بیانگر مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات جهان‌شمول است که برای تمام اعضای یک ملت قابل حصولند و از سوی دیگر مستلزم توسعه‌ی دموکراسی و مشارکت گروه‌های متنوع فرهنگی در تصمیم‌گیری‌هاست.

از نظر ترنر، توسعه‌ی مفهوم شهروندی ترکیبی است از:

۱. نگاه محافظه‌کارانه به شهروندی (ماهیت منفعل شهروندی، با تأکید بر توسعه از بالا به پایین، منزوی از جامعه‌ی مدنی و انجام عمده‌ی کارها، حتی امور مربوط به بخش خصوصی) توسط دولت؛

۲. دیدگاه انقلابی به شهروندی (ماهیت فعال شهروندی، با تأکید بر توسعه از پایین به بالا، مانند سازمان‌های مشارکتی محلی در عرصه‌ی عمومی و جوامع مدنی) (پورعزت و

دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲ - ۱۱).

ژانوسکی (۱۹۹۸) شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت - ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی به بعد حقوقی شهروندی توجه بیشتری داشته است. به نظر ژانوسکی، حقوق شهروندی حقوقی هستند که گروه‌های مختلف از آن‌ها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تأیید می‌شوند و دارای ضمانت اجرایی‌اند.

پارسونز شهروندی را نتیجه‌ی توسعه‌ی مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله‌ی کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله‌ی کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. به گمان وی گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و دیدی خاص‌گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند و درکی از شهروندی ندارند (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱). یک شهروندی کامل به دور از هرگونه تبعیض اجتماعی به معنای برخورداری همه‌ی اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۴۲).

در نظر هابرماس (به طور خاص) و در اندیشه‌ی سیاسی - اجتماعی معاصر به طور عام این حوزه‌ی نوپدید به عنوان «حوزه‌ی عمومی» و «جامعه‌ی مدنی» مطرح شده است. از نظر وی در دریافت حوزه‌ی عمومی و جامعه‌ی مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می‌کنند. در نقش شهروندی فرد، به عنوان عضو تمام جامعه‌ی خود می‌گردد و شأن حقوقی ویژه‌ای دارد. حوزه‌ی عمومی عرصه‌ای است که در آن افراد برای مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند. در چنین حوزه‌ای اصول برابری و امکان دسترسی اصولی غیر قابل حذف هستند. حوزه‌ی عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه‌ی خارجی قرار دارند یا دارای روابط قدرت درونی هستند، از اصول مشارکت و نظام دموکراتیک نوید می‌دهد. در چنین حوزه‌ای نتیجه و پیامد گفتگو مهم نیست، بلکه مهم این است که روند گفتگو و عقلانیت حاکم بر آن

دموکراتیک باشد. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است و دسترسی برابر به حقوق مشارکتی را مورد توجه بیشتر قرار می‌دهد. اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی خود، دریافت حوزه‌ی عمومی به ایفای نقش شهروندی خواهند پرداخت که پیش شرط ظهور آن تعدد و تکثر در اشکال زندگی، ارتباطات عمومی و مسئولیت شهروندی است (تاوانا، ۲۰۱۶: ۴ - ۳).

ترنر و مارشال با تأکید بر حق دسترسی به منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معتقدند که شهروندی دسترسی افراد و گروه‌ها را منابع کمیاب کنترل می‌کند؛ بنابراین دسترسی به منابع می‌تواند عامل مؤثری در ایجاد احساس تعلق شهروندی در میان اعضای جامعه باشد. فردی که سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارد، می‌تواند از آنچه شبکه‌های اجتماعی و منابع دیگر فرهنگی و اقتصادی جامعه در اختیار می‌گذارد، بهره‌مند گردد و خود را در رابطه با جامعه تعریف کند اما کسی که نتواند به این منابع دسترسی داشته باشد و یا دسترسی محدودتری داشته باشد، به همان نسبت خود را از جامعه جدا می‌بیند و احساس شهروندی او کمتر خواهد بود (گنجی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۴).

گی ارمه معتقد است که فرهنگ شهروندی دارای سه ویژگی است: اولین ویژگی این است که شهروندی باید از پیش بر یک الفبای مقدماتی، یعنی بر اساس شناخت‌های حداقل از تاریخ و محیط پی‌ریزی شود. به عبارت دیگر، شهروند باید قادر شود تا به سوی بیرون بنگرد، پنجره را بگشاید، در انزوا زندگی نکند و فقط با همسایگان نزدیک خود به معاشرت نپردازد. دومین ویژگی کلی فرهنگ شهروندی، تحصیل قواعد سلوک دموکراتیک حقیقی، چه از لحاظ رفتار و چه از نظر ارزشهای اخلاقی است. شهروند نه تنها باید به حقوق خود بلکه باید به وظایف خود نیز آگاه باشد. ویژگی سوم که اهمیت بنیادی نیز دارد، سطح اخلاق مدنی است که ناشی از همان وحدت و اهمیت دو ویژگی قبلی است و نوعی ویژگی تکلیف‌مدارانه است. در جامعه‌ای که به نظر پوپر دموکراتیک است و کثرت‌گرایی و آزادی حاکم است، اخلاق مدنی بیشتر با جامعه سازگاری دارد (ارمه، ۱۳۷۶: ۱۷۲-۱۷۱).

نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

هر چند، ریشه‌های بحث سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان در کارهای جامعه‌شناسان قرن نوزدهم یعنی دورکیم، وبر، مارکس و زیمل پیدا کرد (گریکس^۱، ۲۰۰۱؛ پورتس و دیگران^۲، ۱۹۹۸) اما اولین کسی که این اصطلاح را به کار برد هانی فان^۳ بود. بعدها جیمز کلمن نقش شرکت اجتماعی را در شکل‌گیری فرهنگ و تعلیم و تربیت شرح داد. سرمایه‌ی اجتماعی مفهومی بود که مدتی از مباحث دور ماند اما بعد از آن جین جاکوب^۴ در اواخر دهه ۶۰ آن را مطرح ساخت، سپس لوری^۵ در دهه ۷۰ و کلمن در دهه ۸۰ آن را به تفصیل شرح دادند. همچنین پیر بوردیو^۶ جامعه‌شناس فرانسوی نیز تحقیقاتی در این مورد به عمل آورد (وولکاک^۷، ۲۰۰۱: ۱۹۴). به طور کلی باید گفت: پیشرفت جدید مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی از سه تألیف کلیدی، بوردیو، کلمن و پاتنام و تعدادی تألیفات دیگر با همکاری جریان نظریه‌ی چند نظامی پدید آمده است.

جیمز کلمن سرمایه‌ی اجتماعی را در شرکت مجریان در ساختارهای اجتماعی قرار داد. کلمن به سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان موروثی ساختن روابط بین و داخل مجریان در یک جامعه نظر دارد که به بعضی‌ها سود می‌رساند و به بعضی نیز سودی نمی‌رسد. سرمایه‌ی اجتماعی یک واحد منفرد نیست اما طیفی از واحدهای متفاوت است که مشترکاً دو شاخص دارند: همه‌ی آنها شامل جنبه‌هایی از یک ساختار اجتماعی هستند و آنها به مجریان خاصی کمک می‌کنند که در داخل ساختار هستند. توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی به جنبه‌های قابلیت اعتماد، التزامات، و هنجارهای مؤثر که به وسیله‌ی شرکت‌کنندگان در شبکه‌ها نگهداری می‌شود گفته می‌شود و به حفظ فرصت‌ها و منابع در حال پیشرفت بستگی دارد. کلمن تشکیل و تخریب سرمایه‌ی اجتماعی و اثرات آن بر بستن روابط

1- Grix

2- Portes

3- Hani fan

4- Jine Jakoob

5- Glenn Loury

6- Pierre Bourdieu

7- Woolcock

داخل گروه‌های شبکه‌ای را مورد نظر دارد. او همچنین جوانب ساختارهای اجتماعی در ایدئولوژیهای مختلف و همچنین نقش فراوانی و کمک دولتی در توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را مورد ارزیابی قرار داد. تعریف کلمن از سرمایه‌ی اجتماعی هنوز بر کار جامعه‌شناختی اخیر برتری دارد اگر چه پژوهشگران در آن تجدید نظر کرده‌اند (سلمانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۵).

پاتنام مدعی است که شرکت در اجتماع مانند شبکه‌های رسمی و شبکه‌های غیر رسمی جامعه، مرکز اصلی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی است (پاتنام، ۲۰۰۰: ۵۶). وی می‌گوید که همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه‌ی اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت اجتماعی به ارث برده، بهتر صورت می‌گیرد (پاتنام، ۱۳۹۰: ۱۳۸). شبکه‌های اجتماعی، مردم را بیشتر به همکاری و اعتمادپذیری تشویق می‌کند تا شرایط انفرادی ناشی از پی‌جویی نفع شخصی (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۲). سرمایه‌ی اجتماعی بر خلاف سرمایه‌ی اقتصادی، یک کالای عمومی است. شاید به همین دلیل است که اغلب کم‌ارزش تلقی شده و تلاش زیادی برای افزایش آن به عمل نمی‌آید. پاتنام سرمایه‌ی اجتماعی را به عنوان همبستگی اجتماعی محلی حاصل شده، دارای ویژگی‌های زیر می‌داند:

۱. وجود مجموعه‌ای متراکم از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماع محلی؛
۲. سطوح بالای تعهد مدنی یا مشارکت در شبکه‌های اجتماعی محلی؛
۳. هویت محلی قوی و مثبت و نیز احساس تجانس و برابری با اعضای اجتماع محلی؛
۴. هنجارهای تعمیم یافته مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی و این که آیا آنها یکدیگر را به لحاظ شخصی می‌شناسند یا خیر؛
۵. شبکه‌های مشارکت مدنی تجسم و همکاری‌های موفقیت‌آمیز گذشته هستند که می‌توانند همچون الگویی فرهنگی برای همکاری آتی عمل کند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۸؛ برگرفته از محسنی تبریزی و آقامحسینی، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی در نظر پاتنام، اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت اجتماعی

است که با تسهیل کنش‌ها، کارایی جامعه را بهبود می‌بخشند. وی معتقد است روابط متقابل میان منابع سرمایه‌ی اجتماعی یعنی اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت که خود تقویت‌کننده و خودافزاینده هستند، از ویژگی‌های جامعه‌ی مدنی است. نبود این ویژگی‌ها یعنی عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب، بهره‌کشی، انزوا و بی‌نظمی، یکدیگر را در حفظ دوره‌های باطل توسعه‌نیافتگی تشدید می‌کنند (شادی طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۷: ۳۷). پاتنام به هر دو بعد عینی و ذهنی یعنی مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی در رابطه با دموکراسی تکیه کرده است. در واقع بنا بر نظر پاتنام می‌توان گفت، در توسعه و رشد شهروندی دموکراتیک، وجود هر دو بعد اعتماد و مشارکت مدنی ضروری است (رستگار خالد و عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

بورديو در دهه‌ی ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را توسعه داد، اما این کار او نسبت به قسمت‌های دیگر نظریه‌ی اجتماعی‌اش توجه کمتری را جلب کرد (فیلد^۱، ۲۰۰۳). یکی از سنگ بناهای نظری جامعه‌شناسی بورديو در نظر گرفتن جامعه به مثابه‌ی تکثری از حوزه‌های اجتماعی است. شکل‌های سرمایه (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) عواملی اساسی‌اند که تعریف‌کننده‌ی موقعیت‌ها و امکانات کنشگران گوناگون در هر حوزه‌ای به شمار می‌روند (سیسمن^۲، ۲۰۰۰). از نظر او سرمایه‌دار در سه شکل بنیادی امکان بروز می‌یابد؛ به شکل سرمایه‌ی اقتصادی که قابلیت تبدیل شدن به پول را دارد و ممکن است در شکل حقوق مالکیت نهادینه شود؛ به شکل سرمایه‌ی اجتماعی که از الزامات اجتماعی (ارتباطات) ساخته شده است و در شرایط معین، قابلیت تبدیل شدن به سرمایه‌ی اقتصادی را دارد و ممکن است به صورت عنوان اشرافی یا اصالت خانوادگی نهادینه شود (ماجدی و لهسایی زاده، ۱۳۸۵: ۹۴). وی معتقد بود سرمایه‌ی اجتماعی یکی از ابعاد برجسته‌ی تحقیقات علوم اجتماعی است؛ این اصول اجتماعی باعث تقویت افراد و گروه‌ها می‌شود (بورديو، ۱۹۸۰: ۴۵).

بورديو اعتقاد دارد که عضویت در گروه‌ها و درگیر بودن در شبکه‌های اجتماعی، که در

^۱ - Field

^۲ - Sisaman

گروه‌ها حاصل می‌شود و روابط اجتماعی حاصل از عضو بودن می‌تواند در تلاش برای بهبود موقعیت اجتماعی کنشگران در حوزه‌های متفاوت و گوناگون به کار برده شود. انجمن‌های داوطلبانه، اتحادیه‌های تجاری، احزاب سیاسی و انجمن‌های سرّی همگی نمونه‌هایی جدید از سرمایه‌ی اجتماعی به شمار می‌روند (بورديو، ۱۹۸۰: ۴۵). از نگاه بورديو افراد باید در شبکه‌های اجتماعی حضور فعال داشته باشند تا امکان فراهم شدن و دستیابی به منافعشان فراهم شود. بدین صورت تلاش‌های فردی هر یک از افراد در درون شبکه روابط، خود می‌تواند باعث پویایی جامعه شود و زمینه‌ی شهروندی اجتماعی را فراهم کند (افشارکهن و ناجی مهر، ۱۳۹۳: ۳۵).

فرانسیس فوکویاما^۱ سرمایه‌ی اجتماعی را در چارچوبی اقتصادی مطرح می‌کند. وی با بهره‌گیری از مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی یک نظریه‌ی اعتماد اجتماعی تدوین می‌کند و مطرح می‌کند که قدرت و کارایی سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه به میزان پایبندی اعضای آن جامعه به هنجارها و ارزش‌های مشترک و توانایی آنها برای چشم‌پوشی از منافع شخصی در راستای خیر و سعادت همگانی بستگی دارد (محسنی تبریزی و آقا حسنی، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر از نظریات مختلفی به عنوان مبانی نظری استفاده شده است اما تنها تعدادی از نظریات که مبنای استخراج فرضیه‌ها هستند چارچوب نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

ترنر و مارشال با تأکید بر حق دسترسی به منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معتقدند که شهروندی دسترسی افراد و گروه‌ها را منابع کمیاب کنترل می‌کند؛ بنابراین دسترسی به منابع می‌تواند عامل مؤثری در ایجاد احساس تعلق شهروندی در میان اعضای جامعه باشد. فردی که سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارد می‌تواند از آنچه شبکه‌های اجتماعی و منابع دیگر فرهنگی و اقتصادی جامعه در اختیار می‌گذارد، بهره‌مند گردد و

^۱ - Granovetter

خود را در رابطه با جامعه تعریف کند اما کسی که نتواند به این منابع دسترسی داشته باشد و یا دسترسی محدودتری داشته باشد، به همان نسبت خود را از جامعه جدا می‌بیند و احساس شهروندی او کمتر خواهد بود (گنجی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۴).

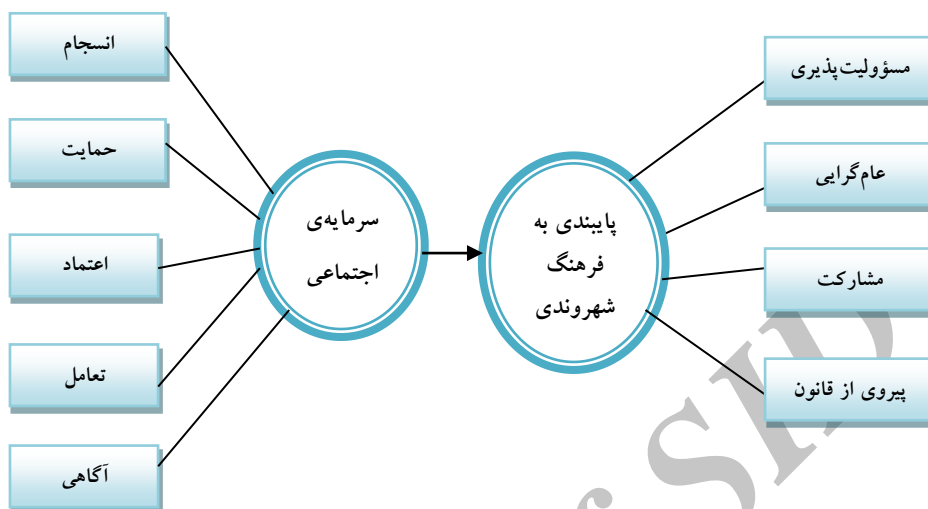
پاتنام به هر دو بعد عینی و ذهنی یعنی مشارکت مدنی و اعتماد اجتماعی در رابطه با دموکراسی تکیه کرده است؛ در واقع بنا بر نظر پاتنام می‌توان گفت، در توسعه و رشد شهروندی دموکراتیک وجود هر دو بعد اعتماد و مشارکت مدنی ضروری است (رستگار خالد و عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

بورديو اعتقاد دارد که عضویت در گروه‌ها و درگیر بودن در شبکه‌های اجتماعی که در گروه‌ها حاصل می‌شود، و روابط اجتماعی حاصل از عضو بودن، می‌تواند در تلاش برای بهبود موقعیت اجتماعی کنشگران در حوزه‌های متفاوت و گوناگون به کار برده شود (بورديو، ۱۹۸۰: ۴۵).

از نگاه بورديو افراد باید در شبکه‌های اجتماعی حضور فعال داشته تا امکان فراهم شدن و دستیابی به منافعشان فراهم شود. بدین صورت تلاش‌های فردی هر یک از افراد در درون شبکه روابط، خود می‌تواند باعث پویایی جامعه شود و زمینه‌ی شهروندی اجتماعی را فراهم کند (افشارکهن و ناجی مهر، ۱۳۹۳: ۳۵).

پارک و شین (۲۰۰۳) در تحقیقی با عنوان سرمایه‌ی اجتماعی و شهروندی دموکراتیک در کره‌ی جنوبی، به مطالعه اثر سرمایه‌ی اجتماعی بر گسترش شهروندی دموکراتیک در بین افراد پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که درگیری اجتماعی به عنوان بعد عینی سرمایه‌ی اجتماعی، بیشتر جنبه‌ی رفتاری شهروندی را توسعه می‌دهد، در حالی که اعتماد اجتماعی به عنوان بعد ذهنی سرمایه‌ی بیشتر، وجه نگرشی شهروندی را ارتقا می‌بخشد.

بنابراین از تئوری‌های ترنر و مارشال، بورديو، پاتنام و پژوهش پارک و شین بالا فرضیه‌ی اصلی استخراج می‌شود که: بین سرمایه‌ی اجتماعی و پابندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.



نمودار ۱: مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

- بین انسجام اجتماعی و پایبندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.
- بین حمایت اجتماعی و پایبندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.
- بین اعتماد اجتماعی و پایبندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.
- بین تعامل اجتماعی و پایبندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.
- بین آگاهی اجتماعی و پایبندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روش میدانی و با تکنیک پیمایش انجام گرفته است. همچنین این تحقیق از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهناگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. در این مطالعه برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه‌ی ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

جامعه‌ی آماری این مطالعه تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر اصفهان هستند. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه‌ی دیدگاه‌های تمامی ساکنان وجود نداشت، از شیوه‌ی «نمونه‌گیری» برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس فورمول کوکران تعدادی از افراد (۳۸۵ نفر معرف جامعه‌ی آماری تشخیص داده شدند) ولی این تعداد برای اطمینان بیشتر به ۴۰۰ نفر ارتقاء یافتند و ۴۰۰ نفر مورد بررسی قرار گرفتند.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش شیوه‌ی نمونه‌گیری دو مرحله‌ای با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای و سپس نمونه‌گیری تصادفی ساده است. بدین صورت که تعدادی از محله‌های شهر اصفهان انتخاب و از هر مرحله به صورت تصادفی نمونه‌ی نهایی مورد مطالعه قرار گرفت. پس از گردآوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و AMOS انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست‌های آماری متناسب به کار گرفته شد.

برای اطمینان از اعتبار پرسشنامه به مشاوره و بهره‌گیری از نظرات استادان و کارشناسان مربوط و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ برای پایایی پرسشنامه استفاده شده است و بر اساس ضریب آلفا، ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ است.

تعریف متغیرهای پژوهش

- پابندی به فرهنگ شهروندی

تعریف مفهومی: فرهنگ شهروندی یک کلیت است که از عناصر گوناگون و متعدد تشکیل شده است. فرهنگ شهروندی یک محصول جمعی، تاریخمند و پایدار است. فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها، رفتارها و قواعد مشترک بنیادینی است که احساس تعلق به جامعه را در فرد به وجود آورده و احترام به میراث مشترک و به رسمیت‌شناسی حقوق و وظایف شهروندی را در فرد ایجاد می‌کند (همتی و احمدی، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر فرهنگ شهروندی با ۴ شاخص مسؤولیت‌پذیری

اجتماعی، عام‌گرایی، مشارکت اجتماعی و گرایش به پیروی از قانون سنجیده شده است.

- سرمایه‌ی اجتماعی

تعریف مفهومی: اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی به سرمایه‌هایی از قبیل اعتماد اجتماعی، هنجارها و شبکه‌هایی که مردم برای حل مشکلات عمومی ترسیم می‌کنند، گفته می‌شود، سرمایه‌ی اجتماعی با مفاهیمی از قبیل جامعه‌ی مدنی و ارتباطات اجتماعی پیوند یافته است (آدام و رنسوچ، ۲۰۰۳).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر سرمایه‌ی اجتماعی با شاخص‌های انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته شده است.

یافته‌ها

آمار توصیفی

نتایج فراوانی متغیر جنس نشان می‌دهد که ۰/۵۴ پاسخگویان مرد و ۰/۴۶ زن هستند. نتایج فراوانی متغیر سن نشان می‌دهد که ۰/۱۸ پاسخگویان ۱۵ تا ۱۸ سال، ۰/۲۵ پاسخگویان ۱۹ تا ۲۲ سال، ۰/۳۰ پاسخگویان ۲۳ تا ۲۶ سال، ۰/۲۴ پاسخگویان دارای سن ۲۷ تا ۲۹ سال هستند.

نتایج فراوانی متغیر تحصیلات نیز نشان می‌دهد که ۰/۲۸ پاسخگویان دارای مدرک دیپلم، ۰/۳۷ پاسخگویان دارای مدرک کاردانی، ۰/۲۹ پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی و ۰/۶ پاسخگویان نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی، انسجام اجتماعی دارای بیشترین میانگین یعنی (۳/۶۳) و حمایت اجتماعی دارای کمترین میانگین یعنی (۲/۸۴) است. همچنین میانگین انسجام اجتماعی (۳/۳۳)، آگاهی اجتماعی (۳/۴۱) و تعامل اجتماعی (۳/۱۴) است. میانگین کلی سرمایه‌ی اجتماعی (۳/۲۷) است که نشان می‌دهد پاسخگویان کمی بالاتر از متوسط از سرمایه‌ی اجتماعی برخوردارند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های پایبندی به فرهنگ شهروندی، مشارکت

اجتماعی دارای بیشترین میانگین با (۳/۵۸) و بعد عام‌گرایی دارای کمترین میانگین با (۲/۸۵) است. همچنین مسئولیت‌پذیری اجتماعی (۳/۳۵) و گرایش به پیروی از قانون (۳/۵۵) است. نمره‌ی کل پایداری به فرهنگ شهروندی (۳/۳۳) است که نشان می‌دهد پایداری به فرهنگ شهروندی در سطح بالاتر از متوسط است.

آمار استنباطی

بررسی وضعیت نرمال توزیع داده‌ها

برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش‌شرط‌هایی وجود دارد که عبارتند از: شرط نرمال بودن داده‌ها. برای بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک‌نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است.

جدول ۱: آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرهای	اعتماد اجتماعی	انسجام اجتماعی	حمایت اجتماعی	تعامل اجتماعی	آگاهی اجتماعی
مقادیر کلموگروف - اسمیرنوف	۲/۵۴	۲/۸۱	۲/۶۶	۳/۰۱	۳/۰۸
سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۲۲	۰/۱۱	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۱۶

با توجه به جدول شماره‌ی ۱ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه‌ی متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ هستند پس می‌توان گفت که این عامل نرمال بودن توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمون‌های پارامتریک را به کار گرفت.

آزمون فرضیه‌ها

- بین ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی (انسجام، مشارکت، حمایت، اعتماد و آگاهی) با پایداری به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش مبنی بر ارتباط بین ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی (انسجام، مشارکت، حمایت، اعتماد و آگاهی) با پایبندی به فرهنگ شهروندی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر است.

جدول ۲: همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

پایبندی به فرهنگ شهروندی		نام متغیر	
		شاخص‌ها	
سطح معناداری	ضریب همبستگی		
۰/۰۰۰	۰/۳۶	تعامل اجتماعی	سرمایه‌ی اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۴۳	اعتماد اجتماعی	
۰/۰۰۰	۰/۳۳	آگاهی اجتماعی	
۰/۰۰۰	۰/۴۴	انسجام اجتماعی	
۰/۰۰۱	۰/۳۰	حمایت اجتماعی	
۰/۰۰۰	۰/۳۷	میزان کل سرمایه‌ی اجتماعی	

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی و همچنین میزان کل آن با پایبندی به فرهنگ شهروندی از دیدگاه جوانان رابطه‌ی مثبت و مستقیم و معناداری وجود دارد. در این میان رابطه بین انسجام اجتماعی و پایبندی به فرهنگ شهروندی ($P=0/44$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین حمایت اجتماعی و پایبندی به فرهنگ شهروندی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/30$) هستند. همچنین بین تعامل اجتماعی ($P=0/36$)، اعتماد اجتماعی ($P=0/43$) و آگاهی اجتماعی ($P=0/33$)، با پایبندی به فرهنگ شهروندی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هرچه میزان گرایش به سرمایه‌ی اجتماعی ($P=0/37$) و ابعاد آن بیشتر شود، میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی از دیدگاه شهروندان شهر اصفهان بیشتر و تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند.

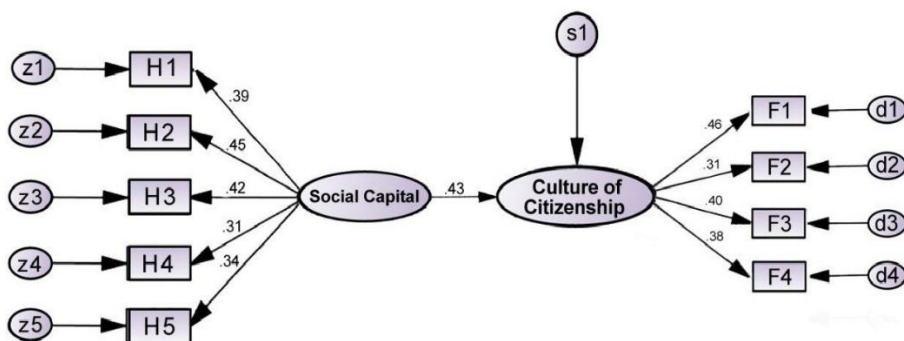
مدل معادله‌ی ساختاری

به منظور تعیین شدت و تأثیر دینداری بر میزان سلامت اجتماعی در بین جوانان مناطق حاشیه‌ای شهر کرمانشاه در وضعیت‌های مختلف، از یک مدل معادله‌ی ساختاری بهره گرفته شده است که این مدل معادله‌ی ساختاری از دو نوع مدل و انواعی از متغیرها تشکیل شده است. دو نوع مدل تشکیل‌دهنده‌ی مدل معادله‌ی ساختاری عبارتند از: ۱- مدل اندازه‌گیری ۲- مدل ساختاری. یک مدل اندازه‌گیری جزئی از مدل ساختاری است که نحوه‌ی سنجش یک متغیر پنهان را با استفاده از دو یا تعداد بیشتری متغیر مشاهده شده تعریف می‌کند. همچنین می‌توان گفت در مدل اندازه‌گیری مشخص می‌شود که تعداد متغیرهای مشاهده شده برای یک متغیر پنهان تا چه حد تحت تأثیر متغیر پنهان مورد نظر و تا چه حد تحت تأثیر متغیر خطا هستند.

در این مدل ۹ متغیر مشاهده شده وجود دارد که متغیرهای مشاهده شده H4, H5 H1, H2, H3, معرف‌های متغیر پنهان سرمایه‌ی اجتماعی هستند و متغیرهای مشاهده شده F1, F2, F3, F4, معرف‌های متغیر پنهان پابندی به فرهنگ شهروندی هستند. متغیرهای خطای Z و d نماد خطای اندازه‌گیری ۹ متغیر مشاهده شده هستند.

جدول ۳: متغیرهای موجود در مدل

متغیر	شاخص‌ها	نمادهای ترسیمی در مدل
سرمایه‌ی اجتماعی	تعامل اجتماعی	H1
	اعتماد اجتماعی	H2
	آگاهی اجتماعی	H3
	انسجام اجتماعی	H4
	حمایت اجتماعی	H5
پابندی به فرهنگ شهروندی	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	F1
	عام‌گرایی	F2
	مشارکت اجتماعی	F3
	گرایش به پیروی از قانون	F4



با توجه به جهت پیکان‌ها از سمت متغیر پنهان به سمت متغیر مشاهده شده که معرف آن متغیر پنهان است، بیانگر این نکته‌ی روش‌شناختی است که نمره‌ی هر پاسخگو در متغیر مشاهده شده تحت تأثیر وضعیتی است که آن پاسخگو در متغیر پنهان زیربنایی مرتبط با متغیر مشاهده شده دارد. برای مثال در این مدل متغیر پنهان ما سرمایه‌ی اجتماعی و شاخص مشاهده شده‌ی آن تعامل اجتماعی (H1) است. به عبارت دیگر وزنی که H1، H2, H3, H4, H5 در مدل پژوهش دارند، تعیین‌کننده‌ی میزان سرمایه‌ی اجتماعی پاسخگو هستند.

در این مدل متغیر وابسته و پنهان ما، پایبندی به فرهنگ شهروندی و شاخص‌های مشاهده شده‌ی آن مسؤلیت‌پذیری اجتماعی با بارعاملی (۰/۴۶)، عام‌گرایی (۰/۳۱)، مشارکت اجتماعی (۰/۴۰) و گرایش به پیروی از قانون (۰/۳۸) است. به عنوان مثال در متغیر وابسته‌ی ما یعنی پایبندی به فرهنگ شهروندی اثر فرهنگ شهروندی بر روی F1 با ۰/۴۶ بدین معناست که متغیر پنهان پایبندی به فرهنگ شهروندی بیشترین توان تحلیل F1 یا (گویه‌هایی که مستقیم به مسؤلیت‌پذیری اجتماعی فرد مربوط می‌شوند) را با بالاترین ضریب دارد و در متغیر پنهان سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی با ضریب ۰/۴۵ بیشترین توان تحلیل این متغیر را داراست. در کل اثر متغیر مستقل سرمایه‌ی اجتماعی بر پایبندی به فرهنگ شهروندی به میزان ۰/۴۳ است.

برازش مدل

جدول ۴: شاخص‌های برازندگی مدل

مقدار	شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها	مقدار	شاخص‌ها
۰/۸۰	NNFI	۰/۸۱	GFI	۲۸۶/۰۱	CMIN
۰/۷۹	NFI	۰/۸۳	AGFI	۰/۰۰، ۳۲	ρ , df
۰/۰۶۴	RMSEA	۰/۸۲	CFI	۱۴/۲۷	CMIN/DF

برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های برازش استفاده می‌شود. شاخص‌های برازش مقادیری آماری را به دست می‌آورند که محقق را در تصمیم‌گیری نسبت به تشخیص یا انتخاب مدل مناسب‌تر، یاری می‌کنند. هر چه مقدار مجذور کای به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده‌ی برازش بهتر مدل است. از آنجا که مقدار مجذور کای تحت تأثیر حجم نمونه و تعداد روابط مدل قرار می‌گیرد و مقدار آن بزرگ می‌شود، بنابراین با اتکا بر مقدار مجذور کای نمی‌توان به نتایج مطلوب دست یافت. در نتیجه در کنار این شاخص، از شاخص‌های دیگری نیز برای برازش مدل‌ها استفاده می‌شود (اژه‌ای و همکاران، ۱۳۸۸). شاخص دیگری که برای از میان برداشتن این محدودیت مجذور کای معرفی شده، شاخص χ^2/df است که اگر کوچک‌تر از ۳ باشد، نشانگر برازندگی الگو است (می‌یر^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). براساس قاعده‌ی کلی، شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، برازندگی تطبیقی (CFI)، نرم‌شده‌ی برازندگی (NFI) و نرم‌نشده‌ی برازندگی (NNFI) برای مدل‌های خوب بین ۰.۹۰ تا ۰.۹۵ تفسیر می‌شوند و مقادیر بالای ۰/۸ نیز نشان‌دهنده‌ی برازش نسبتاً خوب مدل هستند (کلین^۲، ۲۰۰۵). همچنین شاخص ریشه‌ی خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) که لوهین^۳ (۲۰۰۴) برای برازندگی این شاخص، پیشنهاد نمود که در صورتی که کوچکتر از ۰/۰۸ باشد، نشانگر برازندگی خوب، ۰/۰۸ تا ۰/۱، نشانگر برازندگی قابل قبول و

^۱ - Meyers

^۲ - kline

^۳ - Loehlin

مقادیر نزدیکتر به صفر، نشانگر بیشترین برازندگی هستند. در جدول ۷ نتایج تحلیل عامل مرتبه‌ی اول برای ساختار چهار عاملی نشان داده شده است که مقدار مناسبی است.

نتیجه‌گیری

همانطور که ذکر شد تحولات چند دهه‌ی اخیر در مسیر اهمیت یافتن فرهنگ و فرهنگی شدن عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است، از این رو، فرهنگی شدن شهروندی نیز امری اجتناب‌ناپذیر شده است.

امروزه دیگر بحث از شهروندی محض نیست و فرهنگ شهروندی نیز مورد توجه قرار دارد. فرهنگ شهروندی متأثر از سازه‌های انسان ساخت و جمعی است که الزاماتی را در قالب ارزش‌ها و هنجارها به زندگی انسانی وارد ساخته است؛ این الزامات اگرچه در طول تاریخ یکسان نبوده‌اند، ولی سیر تاریخی مفهوم فرهنگ شهروندی نشان‌دهنده‌ی وابستگی معنا و مصداق فرهنگ به ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندی بوده است

در همین راستا، با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و پابندی به فرهنگ شهروندی در این پژوهش به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف سرمایه‌ی اجتماعی چون اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی و آگاهی اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و رابطه‌ی آن با پابندی به فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان به عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی و همچنین میزان کل آن با پابندی به فرهنگ شهروندی از دیدگاه جوانان رابطه‌ی مثبت و مستقیم و معناداری وجود دارد. در این میان رابطه بین انسجام اجتماعی و پابندی به فرهنگ شهروندی $(P=0/44)$ دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین حمایت اجتماعی و پابندی به فرهنگ شهروندی دارای کمترین ضریب همبستگی $(P=0/30)$ هستند.

همچنین بین تعامل اجتماعی $(P=0/36)$ ، اعتماد اجتماعی $(P=0/43)$ و آگاهی اجتماعی $(P=0/33)$ با پابندی به فرهنگ شهروندی ارتباط مثبت و معنادار است. بنابراین می‌توان

استدلال کرد که هرچه میزان گرایش به سرمایه‌ی اجتماعی ($P= ۰/۳۷$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان پابندی به فرهنگ شهروندی از دیدگاه شهروندان شهر اصفهان بیشتر و تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند.

یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگ شهروندی با یافته‌های پژوهش‌های گنجی و دیگران (۱۳۹۴)، افشارکهن و ناجی مهر (۱۳۹۳) و پارک و شین (۲۰۰۳) همخوانی دارد. هرکدام از پژوهشگران فوق در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه‌ی اجتماعی و شهروندی در ابعاد مختلف ارتباط وجود دارد.

همچنین یافته‌های پژوهش با تئوری‌های بوردیو، پاتنام و ترنر و مارشال همخوانی دارد. هرکدام از اندیشمندان فوق در تئوری‌های خود به نقش سرمایه‌ی اجتماعی در افزایش فرهنگ شهروندی اشاره کرده‌اند و عقیده دارند که سرمایه‌ی اجتماعی از طریق ایجاد فضای اعتماد و مشارکت در جامعه و از طریق بالا بردن آگاهی مردم باعث افزایش فرهنگ شهروندی در بین مردم می‌شود.

منابع

- ارمه، گی. (۱۳۷۶). **فرهنگ دموکراسی**، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر، تهران: انتشارات ققنوس
- افشارکهن، جواد و ناجی مهر، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ابعاد ساختاری و شناختی سرمایه‌ی اجتماعی بر احساس شهروندی (مطالعه‌ی موردی: ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر مشهد). **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۱۰.
- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰). **دموکراسی و سنت‌های مدنی**. ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، چاپ اول.
- پورعزت، علی اصغر و دیگران. (۱۳۸۸). رابطه‌ی آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمانها. **فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی**. سال دهم. شماره‌ی ۳۸.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴). **سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)**. ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان. تهران. نشر شیرازه.
- حسام، فرحناز. (۱۳۸۱). هویت شهروندی. اندیشه و پژوهش. سال پنجم. شماره‌ی ۵۱.
- حقیقتیان، منصور و حیدرخانی، هاییل. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی و دیدگاه شهروندان نسبت به توسعه‌ی شهری (نمونه مورد مطالعه: شهر کرمانشاه). دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲۰، بهار.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۱). آموزش شهروندی. **مجله‌ی رشد آموزش علوم اجتماعی**، شماره‌ی ۱۹.
- رستگارخالد، امیر و عظیمی، هاجر. (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با شهروندی دموکراتیک؛ مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانشگاه تهران. **علوم اجتماعی** (دانشگاه علامه طباطبایی، شماره‌ی ۵۹).
- سلمانی، محمد؛ تقی پور، فریده؛ رمضان زاده، مهدی؛ جلیلی پروانه، زهرا. (۱۳۸۹). بررسی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی روستایی. **فصلنامه‌ی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر**. سال چهارم. شماره‌ی ۱۱.
- شادی طلب، ژاله و حجتی کرمانی، فرشته. (۱۳۸۷). فقر و سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌ی روستایی. **فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی**. سال هفتم. شماره‌ی ۲۸.

- شارع پور، محمود؛ حسینی راد، علی. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت ورزشی (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان ۲۹ - ۱۵ شهر بابل). **نشریه‌ی حرکت**. شماره‌ی ۳۷.
- شاه طالبی، بدری و دیگران. (۱۳۸۹). تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌های هویت ملی و جهانی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی. **فصلنامه‌ی رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار**، سال چهارم، شماره‌ی ۲، تابستان.
- شربتیان محمدحسن. (۱۳۸۷). تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه‌ی راهکارهایی برای گسترش آن. **فصلنامه‌ی فرهنگی - پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی**. سال دوم و سوم، شماره‌ی ۸ و ۹.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱). تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان. **مجله‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران**. شماره‌ی ۳.
- شیانی، ملیحه؛ داوودندی، طاهره. (۱۳۸۹). تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان. **فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی**. شماره‌ی ۵۰.
- فاطمی‌نیا، سیاوش. (۱۳۸۶). فرهنگ شهروندی محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال. **فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال هفتم، شماره‌ی ۲۶.
- فرجی، امین. (۱۳۸۹). تحلیلی بر مفهوم کیفیت زندگی شهری، مجموعه مقالات دومین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، دانشگاه تهران.
- قنبری، نوذر؛ حیدرخانی، هاییل؛ رستمی، مسلم. (۱۳۹۵). بررسی رابطه‌ی بین هویت ملی و دینی با پابندی به فرهنگ شهروندی در شهر کرمانشاه. **مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)**. دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۱۹.
- گنجی، محمد؛ نیازی، محسن؛ اسلامی برزکی، زهرا. (۱۳۹۴). نقش سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی در میزان احساس شهروندی. **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۱۷.
- ماجدی، سید مسعود؛ لهسایی‌زاده عبدالعلی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه‌ی اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی. **فصلنامه‌ی روستا و توسعه**. سال نهم. شماره‌ی ۴.

- محسنی تبریزی، علیرضا؛ آقاحسنی، مریم. (۱۳۸۹). بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی شهری؛ مورد پژوهی: شهر محلات. **مدیریت شهری**، شماره‌ی ۲۶، پاییز و زمستان.
- مهدوی، سیدمحمدصادق؛ عاشوری، علی. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر)، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۴، پاییز.
- هاشمیان فر، سیدعلی؛ گنجی، محمد. (۱۳۸۸). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان. **جامعه‌شناسی کاربردی**. سال بیستم، شماره‌ی ۱.
- هاشمیان فر، سیدعلی؛ عجمی، شهرزاد. (۱۳۹۱). بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان. **مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)**، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۳.
- هزارجریبی، جعفر؛ امانیان، ابوالفضل. (۱۳۹۰). آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. **مجله‌ی مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال سوم، شماره‌ی ۹، تابستان. **مدیریت فناوری اطلاعات**، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۴، زمستان.
- همتی، رضا؛ احمدی، وکیل. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت فرهنگ شهروندی و عوامل تبیین‌کننده‌ی آن (مورد مطالعه: شهر ایوان). **برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی**، شماره‌ی ۱۸، بهار.
- Adam, Frane and Roncevic, Borut (2003), "Social capital: recent debates and research trends". *Social Science Information*, 42: 155-183.
- Bourdieu, P. (1980), *Le capital social: notes provisoires*; *Actes de la Recherche en Sciences Sociales*, 3, 2-3.
- Delantey, Gerard. (2003). *Contemporary European social theory*, London and New York, Routledge
- Field, J. (2003), *Social capital*. London: Routledge.
- Grix, J. (2001), "Social capital as a concept in the social sciences: The current state of the debate". *Democratization*, Vol.8, No.3, pp189-210.
- Lee, W, O. (1999), *Qualities of Citizenship for the new century: Perception of Asian Educational Leaders*. Paper Presented at the Fifth Unescoacid International Conference on Reforming Learning, Curriculum
- Middleton, J. (2011), *Citizenship toolkit Provides much needed support*, URL: <http://www.Enrich UK. Net news/ article/ 30>.

- park. chang. min shin .Doh. Chull. (2003). social capital and democratic citizenship: the case of south korea. Working paper series: No 12.
- Portes, A. (1998). Social capital: Its origins and application in the modern sociology. Annual Review of Sociology. 24: pp 1-24.
- Putnam, R.D, (2000), Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community; New York: Simon & Schuster.
- Sisaman, M. (2000), "Two concepts of social capital: Bourdieu vs. Putnam". Paper Presented at *ISTR Fourth International Conference*. Dublin, Ireland.
- Tavana, MA. (2016). Cultural Citizenship in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Journal of Business & Financial Affairs. Vol 5, issu 4 .
- Woolcock, Michael. (2001). The place of social capital in understanding social and economic outcome. Canadian journal of policy researches.

Archive of SID

Archive of SID